

ناترازی انرژی و ساختمان سازی غیر استاندارد



محمد ابراهیمی

کارشناس نفت

اخیراً تصویر ابلاغیه مربوط به ضرورت کنترل نقشه‌ها و اجرای مبحث نوزدهم مقررات ملی ساختمان که توسط وزارت راه و شهرسازی صادر گردیده بود در رسانه‌ها منتشر شد. در این ابلاغیه موضوعی مورد تاکید قرار گرفت که سال‌ها از صحنه رسمی سیاست‌های ساخت و ساز کشور و حوزه تبلیغات و فرهنگ‌سازی غایب بوده است. همه دنبال کنندگان مباحث مربوط به مصرف انرژی دهه هفتاد خورشیدی را به یاد دارند؛ جایی که تبلیغات رسانه‌ای در قالب تلاش برای فرهنگ‌سازی بابت مصرف بهینه انرژی به نخود و خشانی در جریان بود و تبلیغات هدفمند در خصوص مبحث نوزدهم مقررات ملی ساختمان از طریق رسانه‌های رسمی محدود آن زمان هنوز هم از خاطر نسل‌های قبل پاک نشده است. از تبلیغات در قالب انیمیشن‌های جذاب تا سخت‌گیری‌ها در حوزه ساخت و ساز همگی بخشی از تلاش موفق سیاست‌گذاران و مجریان وقت برای ارتقای سطح استاندارد مصرف انرژی کشور بود. اجرای سیاست‌های موفق مذکور دوم زبانی نداشت و تحولات مدیریتی کشور علی‌الخصوص در دهه هشتاد و بعد از آن جدیت و اهتمام بر پیاده‌سازی موازین استاندارد مربوط به مبحث نوزدهم مقررات ملی ساختمان به محقق رفت تا این ابلاغ مجدد ضرورت اجرای مبحث فوق که بر مواردی مثل اجرای عایق کاری حرارتی پوسته خارجی سیستم‌های تاسیسات گرمایشی - سرمایشی تهویه مطبوع تأمین آب گرم مصرفی و الزامات طراحی سیستم‌روشنایی در ساختمان‌ها تاکید دارد، مجدداً در دستور کار قرار گرفت. نفس ابلاغ مجدد این مقررات در این مقطع زمانی اقدام قابل تقدیری است که اگر حکم نوشداروی پس از مرگ سهراب پیدا نکرده باشد اما آغاز مجدد مسیر دشواری است که در لوج بحران‌های حوزه انرژی سختی‌های بی‌شماری را به همراه خواهد داشت و البته می‌توان آن را صرفاً به عنوان کورسوی امید در مسیر تاریک انرژی کشور قلمداد کرد. این مسیر دشوار که در فصل گرم امسال سبلی محکمی بر گونه تحیف ساختار تأمین و توزیع برق نواخت در شرایطی مجدداً آغاز می‌شود که کشور به زودی وارد دوره‌ای دیگر از ناترازی خواهد شد و این بار توازن تولید و مصرف گاز کشور مورد هدف قرار می‌گیرد. سوال مهم اینجاست که اگر مقررات موجود در بخش اجرای عایق کاری حرارتی پوسته خارجی سیستم‌های تاسیسات گرمایشی به طور دقیق و اصول‌مند طی همه این سال‌ها اجرایی می‌شد آیا همچنان شاهد کمبود شدید در حوزه گاز بودیم؟ پاسخ روشن است اگرچه همه معضلات این بخش با رعایت مبحث نوزدهم مقررات ملی ساختمان مرتفع نمی‌شد اما بر هیچ کارشناسی پوشیده نیست که طی سال‌های اخیر با گسترش ضریب گازرسانی و مصرفی رویه گاز در کشور که بخش مهمی از آن ناشی از عدم اجرای دقیق الزامات مبحث مورد اشاره است، هجمه سنگینی بر وزارت نفت وارد شد تا به هر طریق ممکن کسری تراز مصرف گاز را جبران کند و مثل بسیاری دیگر از بخش‌های اقتصاد کشور جور تا کرای و عدم اجرای مقررات را به دوش بکشد. اجرای استانداردهای ساختمان‌ها حتماً موجب کاهش مشکلات کشور، دولت و وزارت نفت در بخش تراز تولید مصرف گاز می‌گردید البته از این دست‌فروشی‌های نابجا دستور بر بدنه نفت و گاز کشور کم نداریم. مثال بدیهی احاله جبران کمبودها به وزارت نفت را می‌توان در بخش مصرف سوخت خودروها نظاره کرد. به رغم وجود قوانین متعدّد الزامات مربوط به استانداردسازی تولیدات خودرو سازان داخلی همچنان خودروهای با کیفیت پایین و ضریب مصرف سوخت بالا تولید می‌شوند و از وزارت نفت خواسته می‌شود که سوخت این خودروهای پر مصرف را به هر طریقی تأمین کند. روشن است این روش مواجهه با معضلات در بخش انرژی اگر در کوتاه‌مدت در حکم مُسکن عمل کند اما در بلندمدت نه کافی است و نه کارا و برای حل ریشه‌ای معضلات ضروری است نظرات کارشناسان و مدیران فرابخشی را دریافت و نسبت به به کارگیری برنامه‌های راهبردی اقدام نمود. دستور اواخر سال گذشته رئیس جمهور را مبنی بر تشکیل سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی در همین دیدگاه استراتژیک کارشناسان می‌توان فهمید. نمود سازمانی که اگر مثل بسیاری از تشکلهای دیگر اسیر مسائل حاشیه‌ای و غیر فنی نشود می‌بایست در گام اول نسبت به یافتن مشکل اقدام کند و قرار است در گام‌های بعدی برخلاف رفتار حاکم در ساختار تصمیم‌سازی فعلی به جای تزریق مُسکن از طریق اعمال فشار به سازمان‌های غیر مسئول منشأ و گلوگاه‌های کمبود انرژی کشور را وادار به استانداردسازی رفتاری نماید. راه اصلاح الگوی مصرف با توجه به بحران‌های درهم‌تنیده انرژی کشور مسیری طولانی است و نمی‌توان انتظار داشت با ابلاغ مجدد قانون قدیمی و تاکید بر اجرای آن یا با اقداماتی مثل تشکیل سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی، معضل انرژی کشور در این حوزه به فوریت مرتفع شود. لیکن اجرای صحیح قوانین و عملیاتی شدن ظرفیت‌های سازمان مدنظر دولت می‌تواند کمی از آلام کشور که تحت نام‌های مختلف منجمله ناترازی تبلور یافته است را تخفیف دهد. لذا نباید ساده‌لوحانه و خوشبینانه به حل مسئله انرژی با رویکردهای فوق نگرست اما بدبینی مطلق هم چاره‌ساز نخواهد بود. به هر حال با فرض تقلیل مشکلات کشور در این حوزه با راهکارهای ساده مزبور آنچه بیش از همه به چشم خواهد آمد همانا انرژی و توانی است که در وهله اول کشور و در وهله بعد وزارت نفت طی همه این سال‌ها از کف داده و به جای آنکه تمرکزش را بر ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدید نماید تمام توان خود را به کار بست تا ناتوانی و بعضاً قصور بخش‌های دیگر مثل حوزه شهرسازی و صنعت کشور را جبران کند؛ فرصت‌هایی که از دست رفتند و امروز کشور را در معرض تهدید مهمی به نام تهدید انرژی قرار دادند.

علیه بخش خصوصی

بررسی مجادلات اخیر بانک مرکزی و مجلس با پلتفرم‌های رمزارز و طلا

در این زمینه بر طرف شود.»

حدود یک ماه پیش الفت‌نسب در توثیت دیگری به اختلاف‌نظر جدی بر سر پلتفرم‌های طلا با بانک مرکزی اشاره کرده بود. او نوشته بود نماینده بانک مرکزی پلتفرم‌های طلا را به خالی فروشی متهم کرده و گفته است درگاه آنها باید بسته بماند، رئیس اتحادیه کسب‌وکارهای اینترنتی طی روزهای بعد نیز به شدت از بانک مرکزی انتقاد کرد و گفت که اقدامات‌شان کاملاً غیرقانونی است و سعی دارند بخش خصوصی را از شورای عالی امنیت ملی بترسانند. الفت‌نسب همچنین گفته بود که دستور انسداد پلتفرم‌های طلا را «محمد رضا فرزین»، رئیس کل بانک مرکزی شخصاً داده است.

به نوعی می‌توان گفت که بانک مرکزی یکی از مهمترین مخالفان خصوصی سازی و آزادسازی قیمت‌ها در کشور است و علت این موضوع نیز مشخص نیست. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد زمانی خصوصی سازی مورد قبول ارگان‌های دولتی قرار می‌گیرد که یک نماینده قوی (مثلاً مدیرعامل) در این بخش حضور داشته باشد. در اصل می‌توان گفت که با توجه به مخالفت‌ها هیچ‌گاه خصوصی سازی کامل در اقتصاد ایران انجام نمی‌شود و همواره دخالت‌ها ادامه دارد.

به نظر می‌رسد مشکل خصوصی سازی برداشته شدن رانت‌هاست؛ در معنای دیگر خصوصی سازی به بخش‌های مختلف کمک می‌کند که از رانت و قیمت‌گذاری دستوری خارج شوند و عملکردی شفاف داشته باشند. زمانی که شرکت‌ها وارد دایره خصوصی سازی شوند، ملزم به ارائه صورت‌های مالی واقعی هستند که این موضوع باعث می‌شود که رانت در این شرکت‌ها جایی نداشته باشد و قیمت‌گذاری دستوری و دخالت‌ها نیز به کمترین میزان خود برسد. اما همواره مخالفین اجازه خصوصی سازی شرکت‌ها را نمی‌دهند و حتی اگر یک شرکت موانع خصوصی سازی را پشت سر بگذارد بازهم شاهد آن هستیم که در میانه راه دخالت‌هایی باعث می‌شود که این خصوصی سازی متزلزل شود.

کارزار مستمر فشار بر صرافی‌های رمزارز

صرافی‌های رمزارز از بهترین نمونه‌ها برای سنجش نوع رابطه نهاد‌های بالادستی و به‌ویژه بانک مرکزی کسب‌وکارهای خصوصی است. در سالیان اخیر با رشد چشم‌گیر ارزش بازار ارزهای دیجیتال، در کشور ما نیز صرافی‌های رمزارز زیادی تأسیس شدند و رفتار فته خودشان را به بخش مهمی از اقتصاد دیجیتال کشور بدل کردند. کسب‌وکارهایی که رکن حیاتی و اساسی‌شان برای ارزش آفرینی، نقل و انتقال دارایی است اما در همین حوزه با محدودیت‌هایی از طرف بانک مرکزی روبه‌رو می‌شوند و هر از چندگاهی می‌شنویم که این نهاد به‌طور ناگهانی درگاه‌های پرداخت آنها را می‌بندد و شوک بزرگی به بازار وارد می‌کند.

بانک مرکزی می‌گوید هدفش جلوگیری از وقوع تخلفات، شفافیت بیشتر و کنترل نوسانات بازار ارز است. این توجیه به شدت از سوی کارشناسان و فعالان صنعت رمزارز به چالش

گروه اقتصاد: برای داشتن رشد اقتصاد، به سرمایه‌گذاری نیازمندیم؛ هم از نوع سرمایه‌های خارجی هم سرمایه‌های داخلی. از آنجا که سرمایه‌های خارجی به دلیل تحریم امکان ورود به کشور ندارد، باید چشم‌انتظار ورود سرمایه‌های داخلی به اقتصاد باشیم. اهمیت کنش اقتصادی بخش خصوصی به اندازه‌ای است که سال ۱۴۰۴ با عنوان سرمایه‌گذاری برای تولید نام‌گذاری شد.

مستولان نیز از صدر تا ذیل به اهمیت مشارکت مردم و حضور فعال در اقتصاد همواره اشاره کرده و البته تاکید داشته‌اند. در شرایط تحریم که دست دولت از درآمدهای ارزی کوتاه است، سرمایه‌گذاری دولت به طور کامل به بایگانی رفته است. چشم‌امید همه سرمایه‌های بخش خصوصی است.

انتظار این است که بخش خصوصی قدر دانسته شود. اگر

فرش قرمز برای بخش خصوصی پهن نمی‌کنیم، دست‌کم

مانع پیش پایش نگذاریم. اما از عجایب دولتمردان این است

که بخش خصوصی را از جلسه اخراج می‌کنند و برای ورودش

به بورس شرط عزل مدیرعامل می‌گذارند.

بررسی سوابق تاریخی نیز نشان می‌دهد مسئولان برخلاف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مخالف خصوصی سازی بوده‌اند و با هر روشی یک سنگ جلوی پای خصوصی سازی انداخته‌اند. در خصوص همین موضوع چند روز پیش بود که رضا الفت‌نسب در شبکه ایکس نوشت: «امروز یکی از تلخ‌ترین روزهای کاری‌ام در این سال‌ها را تجربه کردم. برای حل مشکل برخی از پلتفرم‌ها به عنوان نماینده بخش خصوصی در جلسه‌ای حاضر شدم. اما رئیس همان نهادی که باعث این مشکلات بود صریحاً گفت: «اگر بخش خصوصی در جلسه باشد ما جلسه را ترک می‌کنیم.» و من ناچار جلسه را ترک کردم.» این صحبت‌ها تنها به بخش کوچکی اختصاص دارد و بررسی آمار و ارقام نشان می‌دهد که شرایط بسیار وخیم است و اغلب مسئولان، خصوصی سازی را دشمن خود می‌دانند.»

حالا نکته قابل توجه اینجاست که براساس گزارش دیجیاتو مهم‌ترین جلسه‌ای که در روز انتشار این توثیت برگزار شده، جلسه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس با حضور رئیس کل بانک مرکزی و وزیر کار و امور اجتماعی بوده است. در این جلسه موضوع پلتفرم‌های طلا مورد بررسی قرار گرفت. «نصرالله پژمانفر»، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ نیز در باره نتیجه این جلسه توضیحاتی داده است. به‌نوعی می‌توان پیش‌بینی کرد که با حضور الفت‌نسب در این جلسه مخالفت شده که خود جای تعجب دارد.

پژمانفر در باره این جلسه گفته است: «در این جلسه در خصوص این موضوع بحث شد که اگر موضوع فروش آنلاین طلا در پلتفرم‌ها رویکرد سرمایه‌گذاری داشته باشد، طبیعتاً چون سرمایه‌گذاری کسب‌وکار نیست این موضوع باید در حوزه بانک‌ها انجام شود و بانک مرکزی متولی آن است. اما اگر این فعالیت در قالب یک کسب‌وکار انجام شود، طبیعتاً مورد حمایت قرار می‌گیرد؛ مشروط بر اینکه اشکالات موجود

